

فهر کرده بود، مجدداً و کلا رفتن آوردنش در مجلس، محقق الدوله پسر امین دربار که یکی از وکلاست، دیروز خودش با طبیانچه به دهنش می زند ولی می گویند، خوب می شود، عیبی ندارد. جای تعجب است. معلوم می شود گلوله نداشته است یا چه جور گلوله ای بوده است. باری تمام مردم از اعیان و اشراف متصل می روند از آن دیوانه سفیه، احوالپرسی و تملق می کنند. هنوز جهتش معلوم نیست.

دوشنبه ۲۹ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۵

امروز بر حسب دعوت وزیر جنگ می باشد برویم در مسجد سپهسالار، بالباس رسمی، قسم به کلام الله مجید بخوریم که خلاف مشروطیت نکنیم. یعنی این مرتبه دوم است، باری دو ساعت و نیم به غروب مانده لباس رسمی پوشیده رفته در مسجد، وزیر جنگ با سردارها و سرتیپ (ها) و سرهنگ (ها) و یاور(ها) و هر چه فداره بند هست حاضر شده بودند از توپخانه و قراقچانه و غیره. تماماً بودند. مجدد الدوله، ساعد الملک، سردار فیروز، شجاع السلطنه، سردار مخصوص، سردار ناصر، سردار افخم، سردار معتمد، از امرای تومن نصرالملک (و) ضباءالملک و غیره بودند. شجاع السلطنه پالتویش را نکنده بود. ظفرالسلطنه به تشریف گفت، یکن: خواست خودش در بیآورد نگذارد. ظفرالسلطنه گفت تو یک نفر امیر تومن که بیشتر نیستی. شجاع السلطنه هم فداره خودش را باز کرده پرست کرد میان مردم و رفت. هر چند خود ظفرالسلطنه کار بدی کرد ولی او هم بد کرد. خود ظفرالسلطنه همه را بالباس رسمی دعوت کرده بود ولی خودش بالباس نیم رسمی حاضر شده بود. باری چندین بار با زبان بسیار خنک (و) لوس گفت زنده باد مشروطه، زنده باد مجلس شورایملی، زنده باد وکلای محترم. بعد شرحی امام جمعه خوئی نوشته بود، کلام الله مجید هم به دست او بود. از حجج اسلام کسی نبود. وثوق الدوله، حاجی حسین آقا، حاجی معین بوشهری با چند نفر دیگر بودند. تماماً قسم

خوردند. انشاء الله خلاف قسم نخواهند کرد.

باری صنیع حضرت، مقتدر نظام با بعضی اشخاص دیگر که در میدان توپخانه جمع شده بودند، در دیوانخانه عدیله چوب زیادی زده، یعنی مجازات کرده‌اند، فرستادندشان به کلات این بود اخبار تازه: تا غروب منزل بودم، بعد رفتم منزل حاجی آصف الدوله، نظام السلطنه، ظفر السلطنه، وزیر همایون که حالا لقب قائم مقامی گرفته است آنجا بودند.



صنع حضرت

عنوانین مهم روزنامه خاطرات غلامعلی خان

عزیزالسلطان

« ملیجک ثانی »

۱۳۲۶ هجری قمری

سنه یکهزار و سیصد و بیست و شش
هجری قمری

امروز رفتم طاقمای ظفرالسلطنه وزیر جنگ، حسن خان پیشخدمت شاه مُسلم شده بود. الحق بسیار بد خواند. آوازخوان غیر از تعزیه خوان است. صدایش خوب است ولی تعزیه را خوب نمی خواند.

جمعه ۴ محرم الحرام ۱۳۲۶



سوار شده رفیم خانه امام جمعه روضه، خود امام جمعه نبود. خود امام رفته بودند مسجد سپهسالار که بعضی از اهل نظام (را) که قسم نخورده‌اند. قسم بدهد.

یکشنبه ۶ محرم الحرام ۱۳۲۶



دیشب اتفاق عجیبی افتاده است، اعلیحضرت همایونی به رسم همیشه تشریف فرمای توی تکیه شده‌اند... مردم دست به طپانچه کرده (بودند) برای فراش‌ها، که هنوز هم استبداد دارید، بگذارید برویم تماشا.

دوشنبه ۷ محرم الحرام ۱۳۲۶



رفتم منزل امام جمعه خونی که یکی از وکلای آذربایجان است. آدم بدی نیست.

سهشنبه ۸ محرم الحرام ۱۳۲۶



اسوال روضه‌خوانی بسیار کم است، جمعیت هم مثل سالهای سابق نیست، سه چهار جا بیشتر من شمع روشن نکردم.

چهارشنبه ۹ محرم الحرام ۱۳۲۶



سفیر کبیر عثمانی، شمس الدین بیک که سالها بود (در) طهران اقامت داشت، امروز مرخصی گرفته، رفت اسلامبول.

سه شنبه ۱۵ محرم الحرام ۱۳۲۶



رفتم منزل نظام‌السلطنه، دیدم کالسکه (و) در شگه زیادی ایستاده است فهمیدم که بایست پرسش مرحوم شده باشد.

شنبه ۱۹ محرم الحرام ۱۳۲۶



نظام‌السلطنه وزیر داخله شده است. صنیع‌الدوله وزیر مالیه، معتمد‌الملک وزیر علوم.

شنبه ۱۹ محرم الحرام ۱۳۲۶



وزیر مختار آلمان که تازه آمده است. آمد (و) شرفیاب شد.

سه شنبه ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۶



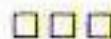
(قتل فجیع در طهران) مردم می‌خواستند بریزند به سفارت (و) یکمرتبه مملکت را تسلیم دولت روس بکنند.

سه شنبه ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۶



أهل جماران آمدند تماماً که ما می‌خواهیم تکیه‌مان را سرش را آهن کنیم صد تومان خرج داد. (آقای نایب‌السلطنه) هم مقبول شدند.

پنجشنبه ۲۴ محرم الحرام ۱۳۲۶



سوه قصد به محمدعلی شاه - برای شاه دینامیت انداخته‌اند و تفکر
حالی کرده‌اند. بندگان اعلیحضرت همایونی را خداوند قادر محفوظ فرموده است.

جمعه ۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۶



رفتم در خانه، وزراء امر و اعیان و شاهزادگان بودند. شاه فرمودند:
بنشینید مشورت بکنید. این وضع نیست!

جمعه ۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۶



چائی صرف می‌کردم که یک صدا بلند شد مثل توپ!
شنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۶



آقای سید عبدالله مجتبهد، صدرالعلماء آقا سید حسین قمی، پسر ملا
محمد تقی کاشی، آمده شرفیاب شدند.

یکشنبه ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۶



دیشب و امشب شهر چراغ باران است.
یکشنبه ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۶



وزیر مختار آمریکا آمده شرفیاب شد.

سهشنبه ۲۹ محرم الحرام ۱۳۲۶



مؤمن‌الملک پسر مرحوم مشیر‌الدوله وزیر گمرک و تجارت شد.

سه‌شنبه ۲۹ محرم‌الحرام ۱۳۲۶



در شیراز قوام‌الملک را کشته‌اند.

شنبه ۴ صفر المظفر ۱۳۲۶



(از طرف شاه) پریروز دستخط سختی نوشته‌اند که: اگر اقدامی از طرف مجلس نشود و مسامحه بشود. من خودم اقدامات لازم را خواهم کرد.

دوشنبه ۶ صفر المظفر ۱۳۲۶



پریشب جوانی رفته بود نزدیک باع امین‌الدوله سورچرانی، شکم آن بیچاره را پاره کرده‌اند.

دوشنبه ۶ صفر المظفر ۱۳۲۶



شاهزاده امان‌الله میرزا در ظرف شش ماه این دفعه سوم است که سه جور لباس تغییر داده‌اند... نان را بایست به نرخ روز خورد.

سه‌شنبه ۷ صفر المظفر ۱۳۲۶



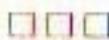
گویا پسرهای قوام، تفنگ‌انداخته‌اند (و) یکی از مجتهدهای بزرگ را کشته‌اند.

سه‌شنبه ۷ صفر المظفر ۱۳۲۶



دیشب سالارالدوله را در عشتر آباد گرفته (اند). بعضی ها می گویند که آن بمب پاگیر او شد.

چهارشنبه ۸ صفر المظفر ۱۳۲۶



شلوغی فارس از حد گذشته است. پسر قوام هم پایش گلوله خورده است.

پنجشنبه ۹ صفر المظفر ۱۳۲۶



سالارالدوله تقصیرش این نبوده است که شهرت پیدا کرده بود بمب کار اوست، گویا باز خیال فرار به سرش افتاده بوده است.

پنجشنبه ۹ صفر المظفر ۱۳۲۶



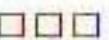
ورامین مدتی است مغشوشه است، گویا حاکم نمی خواهند. می گویند مالیات خودمان را می دهیم ولی حاکم نمی خواهیم.

شنبه ۱۱ صفر المظفر ۱۳۲۶



سرکار تاجالسلطنه که مدتی است از شجاعالسلطنه طلاق گرفته است این چند روزه عیال قوللر آقاسی باشی که حالا امیربهادر است شده است.

دوشنبه ۱۳ صفر المظفر ۱۳۲۶



در منزل نظامالسلطنه مجلس منعقد است برای امر مهمی که بعد معلوم خواهد شد.

چهارشنبه ۱۴ صفر المظفر ۱۳۲۶



شاهزاده ظل‌السلطان حاکم فارس شده است، امروز به چارپای عازم شدند.

جمعه ۱۷ صفر المظفر ۱۳۲۶



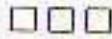
وکلا مدتی است دو دسته شده‌اند، یک دسته حامی آقا سید عبدالله هستند، یک دسته حامی احشام‌السلطنه.

شنبه ۲۵ صفر المظفر ۱۳۲۶



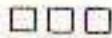
فوج شجاع‌السلطنه که قراول دور ارک هستند به وزیر جنگ فحش می‌دهند (و) می‌روند به طرف مجلس.

یکشنبه ۲۶ صفر المظفر ۱۳۲۶



احشام‌السلطنه، چند روز دیگر می‌رود به لندن.

یکشنبه ۲۹ صفر المظفر ۱۳۲۶



وقتی که شیخ محمود ورامینی را می‌خواستند بیاورند برای استنطاق، جمعی از فکلی‌های مشروطه طلب شورش خواه، انگشت به ... شیخ محمود می‌کنند.

دوشنبه ۴ ربیع الاول ۱۳۲۶



امروز بندگان اعلیحضرت همایونی خیلی به من بی‌حرمتی فرمودند که در این مدت همچه ندیده بودم! خداوند قادر متعال را شاهد می‌گیرم که نه به پدرش، نه به جدش، نه به خودش از من و پدرم خیاتی سرزده باشد!

پنجشنبه ۷ ربیع الاول ۱۳۲۶



چند نفری را اگرفته‌اند که شما مشغول ساختن بمب هستید، یکی از آنها حیدرخان از اجزای چراغ برق است.

جمعه ۸ ربیع الاول ۱۳۲۶



امروز در شهر و انجمن‌ها هیاهو، و هیجان مجددی است برای این که؛
جرا امیرمعظم به خانه این اشخاص که بمب ساخته‌اند، شب ریخته است و
آنها را اگرفته است.

شنبه ۹ ربیع الاول ۱۳۲۶



امروز هر چه که کردند که بازار را ببندند، مردم نبسته‌اند. جواب داده‌اند
که ما چرا بی‌جهت هر ساعت ببندیم، نخواهیم بست.

دوشنبه ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۶



مجلس باز هم شلوغ است. مجازات امیرمعظم را می‌خواهند. وزراء
هم می‌آیند و می‌روند؛ مردم هم اعتنای نمی‌کنند مثل سگ هستند، هیچ قرب و
 منزلتی ندارند.

سهشنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۶



آقا سید عبدالله نطقی فرمودند که قرار بر این شده است که فرد، امیر
معظم در اطاق وزارت جنگ محاکمه بشود. مردم قبول نکردند (و) گفتند
بایست در دیوانخانه عدیله محاکمه بشود.

سهشنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۲۶



الحق از همه چیز گذشته، آقای سید عبداله آدم بزرگ زیاده از حد (و) آدم باعزمی است. اگر این شخص دو سال قبل بعضی اقدامات نمی کرد حالا ما چه روزگاری داشتیم؟

جمعه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۶



دیروز فوج زرند رفته مسجد شاه، بست نشته اند برای مواجهشان سید جمال هم رفته بود تنبیر (و) هر چه دلش خواسته بود به وزیر جنگ و علامه^{الدوله} گفته بود.

جمعه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۶



مخبر السلطنه چند روز است (که) فرمانفرمای آذربایجان شده است.

دوشنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۶



رحیم خان چریبانلو دیروز فرار کرده...

سه شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶



غلامحسین خان پیشخدمت، از جانب بنده همایونی آمده (بود) که احضار فرموده اند، عذر آورده نرفتم!

پنجشنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۶



رفتم منزل نظام السلطنه، امروز کابینه وزراء استعفاء کرده بودند و قبول

هم شده است.

شنبه غره ربیع الثانی ۱۳۲۶



سرحد ارومی خیلی مغشوش است، ارومیه را بکلی چاپیدند.

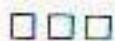
شنبه غره ربيع الثاني ۱۳۲۶



بنابود از خارجه پول قرض کنند، خارجه هم می‌گویند ما پول

نمی‌دهیم، مگر این که در این مملکت نظارت داشته باشیم.

شنبه غره ربيع الثاني ۱۳۲۶



غلامحسین خان دیروز با شعاع السلطنه رفته بود به شکار، یک تفنگ

هم شعاع السلطنه به او مرحمت کرده بود، من باور نمی‌کنم، چون

غلامحسین خان دروغ زیاده می‌فرمایند، از شعاع السلطنه هم همچه بزرگی‌ها

من ندیده‌ام.

شنبه غره ربيع الثاني ۱۳۲۶



ایمن‌الملک مرحوم شده است، نعش را خودش وصیت کرده است

ببرند نجف اشرف.

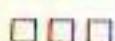
دوشنبه ۳ ربيع الثاني ۱۳۲۶



از طرف دولت اصرار غربی دارند که مهمانی جشن مولود شاه را آقا

(نایب السلطنه کامران میرزا) بگیرند، امروز به کلی، آقا از سر خودش رفع کرد.

سهشنبه ۴ ربيع الثاني ۱۳۲۶



رفتم سفارت روس، چون عید میلاد «امپراطوریس» بود، گاردن پارتنی

دعوت کرده بودند.

چهارشنبه ۵ ربيع الثاني ۱۳۲۶



امروز در عدليه استنطاق آقا سيد على آقا يزدي است. چون يك اعلاني از چند شب قبل از قول جماعت باييه به در و دیوار شهر می چسبانیدند، بعد معلوم می شود آدم آقا سيد على آقا يزدي بوده است.

پنجشنبه ۶ ربيع الثاني ۱۳۲۶



آصف السلطنه از طرف بندگان اعлиحضرت همایونی حامل مستخطی بودند که: «عزیزالسلطان من نهایت مرحمت را در حق شما داشته و دارم... باید شما همه روزه حاضر خدمت باشید و از خدمتگزاری و مراقبت در نوکری غفلت ننمایید.

شنبه ۸ ربيع الثاني ۱۳۲۶



مستوفی‌الممالک باز وزیر جنگ شده است.

شنبه ۸ ربيع الثاني ۱۳۲۶



مشیرالدوله چند روزی است اصرار دارد که استعفا بکند با موتمن‌الملک برادرش.

یکشنبه ۹ ربيع الثاني ۱۳۲۶



با آصف السلطنه رفتم خدمت شاه، در اطاق برلیان نشسته بودند اظهار

۱۱۱۷

مرحومت نسبت به این غلام خودشان فرمودند.

پنجشنبه ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



رفتم خدمت آقا سید عبدالله، شیخ مهدی عرب که دخترش عروس آقاست و لو لهنگش خیلی آب می‌گیرد، آنجا بود.

سه شنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



امشب عید بندگان همایونی است، به واسطه اغتشاش ارومیه و کشتاری که در آنجا شده است خود دولت هیچ عید نمی‌گیرد.

پنجشنبه ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



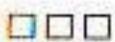
اشخاصی که برای شاه بمثاب اندخته بودند، امروز مرخص شدند!

پنجشنبه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



دیشب تمام (ر) بالباس نیم رسمی خبر کرده بودند، امروز بالباس رسمی خبر کرده‌اند، بعضی‌ها که هیچ لباس نپوشیده بودند، هرج و مر ج عجیبی است!

جمعه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



رفتیم شرفیاب خاکپای مبارک شدیم در اطاق برلیان. اول می‌خواستند که در نارنجستان تشریف بیاورند، من گفتم اهل نظام این قدر خاک بر سر هستند؟

جمعه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



رفتیم شرفیاب شده، از هر کس پرسیدند که چند فوج در طهران است؟

هیچ کس نمی‌دانست.

جمعه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



وقتی که رفتیم توی اطاق حضور شاه، سردار ناصر نخواست زیردست
کسی بایستد، خودش تنها یک طرف ایستاد، بسیار حرکت خنکی بود!

جمعه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



نژدیک انجمن برادران دروازه قزوین دیدم موزیک می‌زند، پیاده شدم
رفتم، خیلی احترامات کردند (و) گفتند: زنده باد سردار مشروطه طلب!

جمعه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



امروزنظام‌السلطنه وزیر داخله جداً استغفارده است، قبول هم شده است.

جمعه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



لقب احشام‌الملکی را به شاهزاده معین دربار دادند.

یکشنبه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



فوج هفتم شقاقی، چندی است رفته‌اند مسجد شاه (و) می‌گویند

امیر نظام را نمی‌خواهیم، مواجب هم نمی‌خواهیم.

سهشنبه ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



رفتم منزل امیراعظم، ریاست محاکمات عسگریه را به او داده‌اند.

چهارشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



در سرحدود ایران با روس گفت‌وگوست، در پله سوار چند از آده با سوار آمده، مطالبه خون آن صاحب منصبی (را) که در استرآباد کشته‌اند می‌کنند. شاهسون‌ها هم از روس خیلی کشته‌اند، خداوند عاقبتش را به خیر کند.

شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



بعضی‌ها می‌گویند صنیع‌الدوله رئیس وزراء شده.

یکشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



محتمم‌السلطنه را برای وزارت داخله می‌گویند از سرحد خواسته‌اند.

یکشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



امروز در دیوان خانه عدیله قاتل‌های فریدون را مجازات داده‌اند یکی هزار الی دو هزار تازیانه زده‌اند، دو سه نفرشان هم نزدیک به موت هستند.

سه‌شنبه ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶



امروز امیراعظم که رئیس محاکمات عسگریه است، صاحب منصبان فوج شقاقی را استنطاق می‌کند. گفتگو خیلی زیاد شد از هر طرف، من که سکوت داشتم ولی همین قدر می‌نویسم امیر نظام اگر چه با من

خیلی بدی کرده است ولی حق را نباید از دست داد (که) بی تقصیر است. تمام مردم معرض هستند. دست از هوای نفسشان برنمی دارند (و) مقاصد شخصی دارند.

پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۶

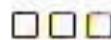


دیشب چند نفر دزد رفتند به خانه وزیر بانک روس، یک گلوه به پای وزیر بانک می خوردا!

پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۶



جاده اتومبیل «مرنار» را تا تجریش ساخته اند، زیر قله ک ماشین (های) زمین سفت کنی مشغول سفت کردن بودند. اسب های در شگه رم کردند.
جمعه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶



در مسجد شاه، ملک المتكلمين و آقا سید جمال و بهاءالواعظین رفته بودند منبر، خیلی از ظل السلطان تعریف کرده، از امیر جنگ و امیر نظام خیلی بد گفته بودند. و هیچ چیز برای آن دو نفر باقی نگذارد بودند (و) مردم را ترغیب کرده بودند آنها را بکشند.

جمعه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۶



مشیر السلطنه رئیس وزراء و وزیر مداخله شده است.

شنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶

